

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۱

(صص ۱۴۴-۱۳۱)

دکتر احمد رضا یلمه‌ها*

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

دیوان اشعار حسرت مشهدی به خط خود شاعر

چکیده

آنچه از گذشتگان به صورت نسخه‌های خطی برای ما باقی مانده، هر کدام گنجینه‌ای است که باید در حفظ، احیا و شناسایی آن کوشید. با وجود آن که در سال‌های اخیر، سعی فراوانی در شناسایی و معرفی این گنجینه‌های نفیس صورت پذیرفته؛ ولیکن هنوز راه نرفته بسیار است؛ چراکه هنوز دواوین شعری و متون منثور فراوانی در گوشه و کنار کتابخانه‌ها، در زیر غبار نسیان و فراموشی است. یکی از این آثار مجهول القدر و ارزنده، دیوان شاعری ناآشناست با عنوان سید محمد فرزند میرزا صدرا، متخلص به حسرت مشهدی، شاعر فارسی گوی شبه قاره در نیمه ی دوم سده ی یازدهم هجری که نسخه ی اصلی دیوان این شاعر به خط خود شاعر است و در سال ۱۱۴۴ هجری قمری کتابت گردیده و در کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار به معرفی این شاعر و مضامین شعری دیوان وی، بر اساس نسخه ی مذکور بپردازد.

کلید واژه ها: شعر فارسی، سبک هندی، شبه قاره، حسرت مشهدی، دیوان، نسخه ی

خطی.

*Email: ayalameha@dehaghan.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۲۵

مقدمه

لزوم توجه به نسخه‌های خطی، به عنوان گنجینه‌های موارث فرهنگی کشور، شعار نیست. یکی از شیوه‌های توجه به هویت و شناسنامه وجودی جامعه، جمع‌آوری و تدوین نسخه‌های خطی و برنامه‌ریزی دقیق برای شناسایی و معرفی این آثار است. باید تا حد امکان در جمع‌آوری، احیا و شناسایی و تصحیح این موارث مکتوب کوشید و به هیچ روی به آثار معرفی گردیده و تصحیح شده اکتفا نمود؛ چراکه «این آثار بهترین و ارزنده‌ترین نشانه‌ی طرز فکر مردم هر مملکت و دیار محسوب می‌شوند و نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن، دستیابی به آثار فرهنگی اوست» (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵) یکی از این آثار مخمول‌الذکر و ناآشنا، دیوان سید محمد بن میرزا صدرا متخلص به حسرت مشهدی است. وی از جمله شاعرانی است که در هند زاده شده و سپس به مشهد کوچ نمود. در تذکره المعاصرین درباره‌ی او می‌خوانیم: « سید محمد از سادات موسوی مشهد مقدس بود. پدرش میرزا صدرا، به هند مهاجرت کرد و سید محمد در این کشور به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر خود به وطن بازگشت» (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵: ۳۸۹) متأسفانه در کتب تاریخ ادبیات و تذکره‌ها و تراجم احوال (به جز چند تذکره همچون باغ معانی، تذکره المعاصرین، مخزن الغرائب، ریاض العارفین و...) نام و نشانی از این شاعر نیست و پرداختن به شعر و مضامین شعری او از جمله ضروریات پژوهش‌های ادبی است که در این پژوهش به معرفی مختصری از وی، بر اساس دیوان باقی مانده از او می‌پردازیم.

معرفی نسخه

کامل‌ترین نسخه‌ای که از دیوان این شاعر باقی مانده، دست‌نوشته‌ای است که به خط خود شاعر و مکتوب به سال ۱۱۴۴ هجری قمری است. این نسخه با شماره‌ی ۲۶۶۷ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران موجود است و عکسی از آن در اختیار نگارنده‌ی این سطور است. دست‌نوشته‌ی مذکور، در ۲۳۴ برگ (۴۶۷ صفحه) و به خط نستعلیق کتابت

گردیده است (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۲۸ و نیز دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۱۵۶۲/۱۰) این دیوان دارای بیش از نه هزار بیت و مشتمل بر اشعار زیر است:

- ۱- غزلیات به ترتیب حروف الفبا، از ص ۱ تا ۱۴۸
- ۲- تخمیس اشعار معاصران، از ص ۱۵۱ تا ۱۷۱
- ۳- رباعیات، از ص ۱۷۱ تا ۱۷۵
- ۴- مثنوی سرپای معشوق با دیباچه‌ای مثنوی (منظومه ی سرپای)، از ص ۱۷۶ تا ۱۸۳
- ۵- ماده تاریخ‌ها، از ص ۱۸۳ تا ۱۸۹
- ۶- مراثی، از ص ۱۹۰ تا ۲۷۳
- ۷- قصاید در توحید و معارف، به ترتیب حروف الفبا به انضمام رباعیات در مدح ائمه، از ص ۲۷۴ تا ۳۵۵
- ۸- قصاید شکوائیه در مدح شاه طهماسب صفوی و گله و بث الشکوی از اعدای، از ص ۳۵۶ تا ۳۸۲
- ۹- مثنوی در سفرنامه ی خود به اعتبار قدس، از ص ۳۸۳ تا ۴۰۸
- ۱۰- مثنوی در حکایات و داستان‌ها و مسافرت به هند، از ص ۴۰۸ تا ۴۶۷

آغاز:

زهی از شمع اوصافت فروزان، بزم
به رنگ مردمک‌روشن، ز مهرت مهر
انجام:

بچینی از ریاض زندگانی
گل مقصود دل تا می‌توانی

گفتنی است این دیوان با مقدمه‌ای کوتاه از مالک آن (که خط آن نیز قدیمی می‌نماید) بدین وصف آغاز می‌گردد: «حسرت که به موجب این دیوان که نسخه‌ی خود شاعر است، به آثار و رشحه‌ی افکارش دست می‌یابیم، دارای طبعی وقاد و قریحه‌ای سرشار و نقاد و در نظم و نثر و فنون شعر استاد و از آن گونه شعراست که به واسطه‌ی هم رنگ نبودن با محیط و علو همت و غنای فطرت، حاضر به مدیحه‌سراییی نبوده که در خانه، وزیر و امیر را کعبه‌ی آرزو و آمال خود ساخته، شهرت و معروفیت و تمول و مکنت فراهم آورد. چنان چه در این دیوان ده هزار بیتی، سطری از مدیحه‌ی کسان دیده نمی‌شود و به همین جهت هم قدری مخمول‌الذکر مانده است. حسرت در نیمه‌ی مائه یازده می‌زیسته و نسخه‌ی حاضر هم به سنه‌ی ۱۱۴۴ مورخ است و دیگر از موت و حیات و خصوصیات زندگانی شاعر، اطلاعی نداریم» (حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۲).

بررسی و تحلیل

برجسته‌ترین نکاتی که از مطالعه‌ی دیوان این شاعر بر پایه‌ی نسخه‌ی خطی باقیمانده از این شاعر دریافت می‌شود، چنین است:

۱- قالب شعری برتر دیوان حسرت مشهدی، غزل است. حسرت بنا به شیوه‌ی شاعران هم عصر خود، غزل را به عنوان قالب مسلط شعری پذیرفت. ۱۴۸ صفحه از ۴۶۷ صفحه‌ی نسخه‌ی خطی دیوان وی را غزلیات وی تشکیل می‌دهد. به عبارتی، در حدود بیش از اشعار آن شاعر غزل است. غزل‌های حسرت به شیوه‌ی معاصرانش، مشتمل بر ترکیب‌های تشبیهی و مضامین باریک و بر بنیاد عواطف گرم استوار است ولیکن چون طبع و قریحه‌ای روانتر از دیگر هم روزگاران داشت، به دنبال صنعت‌گری‌های متکلفانه در شعر نرفت. از این رو در شعر او نوعی تازگی اندیشه و طراوت معنی به همراه سادگی و روانی لفظ یافت می‌شود.

۲- در کنار غزل، پربسامدترین قالب شعری در دیوان حسرت، مثنوی است. وی مثنوی را روان‌تر از دیگر اشعار سروده است ولیکن در عین روانی و سلاست، فصاحت را نیز در

گفتار رعایت کرده است. یکی از تازگی‌های کار او مثنوی است در بحر رمل، که در آن به وصف سراپای معشوق می‌پردازد و در آن با شیواترین تعابیر و اوصاف در بیان زیبایی‌های معشوق برخورد می‌کنیم. این مثنوی پس از بیان دیباچه‌ای متثور، این چنین آغاز می‌گردد:

همچو صبحم زد به پیری آتشی	مهر روی ماه سیما دلکشی
غنچه لب، گل چهره، قامت همچو سرو	کز هوایش مرغ دل گردد تذرو
جبهه‌اش آینه ی صبح امید	عشرت افزا چهره ی چون روز عید

(حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۱۷۷)

مثنوی دیگر حسرت، سفرنامه‌ای است که شرح سفر اوست به اعتبار قدس که از صفحه ۳۸۳ تا ۴۰۸ را فراگرفته و با این ابیات آغاز می‌گردد:

زهی رویت گل باغ تمنا	نمی از رشحه ی فیض تو دریا
----------------------	---------------------------

(همان: ۳۸۳)

مثنوی‌های دیگر او به صورت حکایت و داستان و در شرح مسافرت اوست به هند که از ص ۴۰۶ تا ۴۶۷ دیوان او را در بر می‌گیرد و با این ابیات آغاز می‌گردد.

شنیدم روزی از صاحب شعوری	به رنگ علم از اهل حضوری
چو چشم خویشتن، او برگزیده	به مردم نقل کرده آنچه دیده
یکی بودش به هر بزمی و محفل	به رنگ ساغر می، دیده و دل
چو خامه آشنا با هر زبانی	ز خاموشی شده صاحب بیانی

(همان: ۴۰۸)

۳- در کنار غزل و مثنوی، قصیده از دیگر قالب‌های مقبول و محبوب شاعر است. قصاید او بیشتر قصاید دینی- مذهبی است و در مدح ائمه و اهل بیت عصمت و طهارت سروده شده است؛ چراکه او از مریدان اهل بیت و از متولیان آستان قدس رضوی بود. در

سرگذشت وی آمده است: «حسرت پس از درگذشت پدرش، تولیت آستان امام رضا (ع) را که در خاندانش موروثی بود، بر عهده گرفت و تا پسین گاه زندگانی‌اش، عهده‌دار همین سمت بود» (انوشه، ۱۳۸۰: ۹۶۸/۲) و این مطلب در اکثر تذکره‌هایی که درباره‌ی او مطلبی نوشته‌اند، اشاره شده است. از جمله در ریاض‌العارفین می‌خوانیم: «سید محمد هروی، اصلش از سادات ارض اقدس و خودش هم آخرها، کلیددار مشهد مقدس بوده»، (آفتاب رای لکهنوی، ۱۹۷۷: ۱۹۳/۱) و در مطلع الشمس آمده است: «اسمش سید محمد و از خدام روضه‌ی رضویه بوده» (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۲: ۴۲۸) و نیز در تذکره‌ی روز روشن می‌خوانیم: «سید محمد مشهدی خلف میرزا صدرا، از خدمه‌ی مشهد مقدس، امام علی بن موسی الرضا سلام الله علیهما و هم عصر شیخ محمد علی حزین لاهیجی بود» (صبا، ۱۳۴۳: ۳۸۹)

صفحه‌ی ۲۷۴ تا ۳۵۵ دیوان حسرت را قصاید توحیدی و معارف، در مدح ائمه اطهار تشکیل می‌دهد و از صفحه ۳۵۶ تا ۳۸۲ این نسخه، شکوائیه‌ها و گله‌ها و بث‌الشکوی‌هاست که بخش عمده‌ای از شکوائیه‌های او، گله از دشمنان و اخوان و دوستان اوست و در قالب قصیده سروده شده است. از جمله قصاید مذهبی او، قصیده‌ای است با این مطلع:

شد دل از جوش تنک ظرفی به بزم عشق آب از رگ خامی در آتش اشک می‌ریزد کباب
(حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۲۹۸)

و در آن این چنین به ستایش علی بن ابی طالب (ع) می‌پردازد:

سرخ روی شیعه را باشد ز مهر مرتضی لعل رادرکان بود از پرتورخورآب و تاب
شب که بودی بسته بر رخسار دل‌درهای فیض گشته از این مطلع عالی به رویم فتح باب
تا نجف شد از شرف آرامگاه بو تراب عرش گوید هر نفس یا لیتنی کنت تراب
(همان: ۳۰۱)

بسیاری از قصاید دینی حسرت نیز در مدح علی بن موسی الرضاست. از جمله قصیده‌ای با این مطلع:

نشئه وصل بتی در سر ما پا برجاست که فلک در کف مست می عشقش میناست

(حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۳۰۵)

که در آن این چنین به مدح ثامن الحجج می پردازد :

مظهر عین صفا مظهر انوار رضا مینع سرور عالم علی بن موسی است

آن شهنشاه که چون حلقه‌ی در پیوسته به در بارگش دیده ی چرخ میناست

(همان : ۳۰۸)

و نیز در قصیده‌ای با مطلع :

چون ذره ز خور هست از او نام و نشانم بی تابش او هیچم و موجود از آنم

(همان : ۳۲۷)

به مدح شهنشاه جهان ، علی بن موسی الرضا می پردازد :

بر دست کسی چشم چو پیمانه مست از می الطاف شهنشاه جهانم

سلطان خراسان علی موسی جعفر کز بندگی اش از دو جهان باج ستانم

(همان : ۳۲۸)

گفتنی است یکی از نوپآوری‌های حسرت در قصاید منقبتی، آن است که بسیاری از قصاید دینی و رثایی را با شکوائیه‌هایی آغاز می‌کند و پس از بئالشکوی، موضوع را به مدح و منقبت یکی از ائمه می‌کشاند. از آن جمله قصیده‌ای است که با این مطلع آغاز می‌گردد :

دلم آنچنان با سفر دارد الفت که بعد از اذان هم نگویم

(همان : ۳۰۱)

و پس از تجدید مطلع و مضمون گردانی، این چنین به منقبت حضرت فاطمه (س)

می‌پردازد :

مگر فاطمه نور چشم پیمبر شود رهنمایم به راه هدایت
 زهی بانوی حجله ی آفرینش که کمتر کنیزش بود شرم و عفت
 (حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۳۰۳)

و یا در قصیده‌ای با مطلع :

افسر صاحب سوادان چون قلم ترک سر خسرو تخت سخن را فوج معنی لشگر
 (همان : ۳۱۰)

پس از گله و شکایت فراوان با تجدید مطلع و چرخش مضمون ، این چنین به منقبت
 باب الحوائج پرداخته است :

درگهت را اهل دل باب حوائج شد یقینم حاجت کونین فرش این در
 (همان : ۳۱۳)

و در ادامه ارادت خود را به درگاه فرزند آن حضرت (علی بن موسی الرضا) که پیشه ی
 خود و آبا و اجداد اوست، این چنین آشکار می سازد :

مدتی شد زین شرف آباء و اجداد نزد فرزند تو مسکین از صفای گوهر
 مدتی شد بندهات با جان لبریز از چون ملک در آن مقام روح پرور چاکراست
 (همان : ۳۱۵)

۴- حسرت با دیوان بسیاری از شعرای همعصر خود الفت و آشنایی داشته و بسیاری از
 اشعار این شاعران را اقتفا و تضمین کرده است. ۲۰ صفحه (۱۵۱ تا ۱۷۱) از دیوان این شاعر
 را، مخمسات وی تشکیل می دهد که به تخمیس اشعار معاصرین خود پرداخته است. وی
 شعری دارد مخمس گونه با مطلع :

شکوه تا چند کنی ای مه تابان از زانکه چون زلف دلی نیست پریشان از
 (همان : ۱۶۴)

که در آن به تخمیس شعر کلیم کاشانی می پردازد :

مدح من بشنو و چون ابر خروشان از اشک بیهوده مریز این همه از دین

(حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۱۶۵)

حسرت چند مخمس دارد که به تتبع اشعار صفی اصفهانی، رضایی مشهدی، ناطق کشمیری، ذبیحی یزدی، قدسی مشهدی، فغانی، نعمت خان عالی شیرازی، فیض، نجات سروده شده است. در برخی از مخمسات، نیز به تخمیس شعر صائب تبریزی می‌پردازد. از آن جمله شعری با مطلع:

گاهی چراغ محفل اسرار گه آتش تجلی دیدار بوده‌ای

(همان: ۱۶۸)

و نیز مخمس دیگری با مطلع:

جانها غبار عرصه ی میخانه توآند دل های عاقلان همه دیوانه توآند

(همان: ۱۸۴)

که در هر دو به تخمیس اشعار صائب می‌پردازد.

۵- حسرت در سرودن رثائیه، به ویژه مرثیه ی حضرت امام حسین (ع) دستی توانا داشته است. وی در دو قالب مثنوی و قصیده، به رثای آن حضرت می‌پردازد. به طوری که بیش از ده قصیده و مثنوی نسبتاً طولانی، در مرثیه ی امام حسین (ع) در دیوان وی مشهود است و این نشانه ی آن است که او شاعری شیعی مذهب بوده و به مذهب دوازده امامی خود اصرار می‌ورزیده و به ویژه در اظهار ارادت به امام سوم شیعیان، تعصبی خاص ابراز می‌نموده است.

۶- حسرت علاوه بر آشنایی با دیوان شعرای معاصر و هم عصر خود، با دواوین شعرای گذشته، انس و الفت داشته و برخی از اشعار خود را به تتبع و تقلید از اشعار آن شاعران سروده است. از آن جمله قصیده‌ای است در مدح شاه طهماسب صفوی با مطلع:

در سواد فقر همچون خامه ی می‌کند ژولیده مویی بر سر ما

(همان: ۳۵۸)

و در ادامه می‌گوید:

می‌کند از بس که وصف مهر ذاتش دور نیست گر تخلص خامه فکرم نماید انوری

(حسرت مشهدی، ۱۱۴۴: ۳۵۹)

تا آنجا که :

نیستم در شادی و غم فارغ از کین بهر من این بیت موزون کرد گویا

«آسمان در کشتی عمرم کند دایم دو وقت شادی بادبانی گاه انده لنگری»

(همان : ۳۶۰)

که این قصیده را به اقتضای قصیده ی انوری با این مطلع سروده است :

ای مسلمانان فغان از دور چرخ وز نفاق تیر و قصد ماه و سیر مشتری

(انوری : ۱۳۶۴ : ۴۶۹)

و نیز در قصیده‌ای با مطلع :

مراداردمی مهری چو چشم جام که باشد صحن محشر پنبه ی مینای

(همان : ۳۱۸)

به اقتضای قصیده ی خاقانی با مطلع زیر پرداخته است :

مرادل پیر تعلیم است و من طفل زبان دم تسلیم سر غُشر و سر زانو دبستانش

(دیوان : ۱۳۷۴ : ۲۰۹)

نتیجه

بنابر آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که :

- ۱- حسرت مشهدی، از جمله شاعران ناشناخته و قوی دست نیمه ی دوم سده ی یازدهم هجری است که دیوانی به دست خط این شاعر ناشناخته و مجهول‌القدر باقی مانده و ضروری است دیوان این شاعر، به عنوان شاعری تأثیرگذار در سبک هندی، مورد تصحیح و تنقیح قرار گیرد و به حیلۀ ی طبع آراسته گردد.

۲- حسرت در بیشتر مضامین و موضوعات شعری رایج در سبک هندی، طبع آزمایی کرده است. اشعار غنایی با قالب مسلط غزل، مناقب و مدایح دینی و اخلاقی، مرتبه سرایی (به ویژه رثاهای دینی و مذهبی)، ماده تاریخ و سرودن قطعه‌هایی حاوی تاریخ واقعه، از عمده‌ترین موضوعات شعری سبک هندی است که از هر کدام از این موضوعات، موارد فراوانی در دیوان حسرت یافت می‌شود و نشان از آن دارد که او در سرودن اقسام شعر دست داشته است.

۳- زبان قصاید و شیوه نظم آن در دیوان حسرت، متمایل به همان شیوه ی عهد صفوی و ادامه قصیده‌های شاعران سده‌های نهم و دهم هجری است. به عبارتی ویژگی‌هایی چون سادگی و لطافت و روانی زبان، عدم کاربرد ردیف‌های مشکل، بلندی و تفصیل طولی قصاید، آزادی شاعر از قیود به همراه تغییر مکرر موضوع در اثنای قصاید با تجدید مطلع، لحن مذهبی که در قصاید عهد صفوی وجود داشت، در قصاید حسرت به ویژه در قصاید دینی و مراثی و مناقب او مشهود است.

۴- حسرت مشهدی با وجود تمایل به ایجاد مضامین نو و اندیشه‌های تازه و تازه‌گویی، به تتبع و تقلید از شعر گذشتگان و به ویژه شاعران هم‌عصر و هم‌روزگار خود می‌پردازد. وی بسیاری از ابیات خود را به تتبع اشعار صائب، کلیم کاشانی، قدسی مشهدی، نعمت خان عالی و ... می‌سراید و در قصاید به اشعار پیشینیان خود خصوصاً انوری و خاقانی نظر داشته است.

۵- بخشی از قصاید حسرت در نعت و منقبت امامان شیعه، به ویژه ستایش امام حسین و امام رضا (علیهم‌السلام) است و بخش اندکی نیز در مدح شاه طهماسب صفوی و قسمت فراوانی نیز به شکوائیه‌ها و گلانیه‌ها می‌پردازد که در بررسی‌های جامعه‌شناسی ادبی ارزش فراوان دارد.

۶- کلیات دیوان حسرت، شامل بیش از ۹۰۰۰ بیت در قالب‌های گوناگون شعری است. او علاوه بر دلاویزی در غزل، در قصیده گویی، مثنوی سرایی، مخمسات، قطعات و رباعیات

دستی توانا داشته است. بیانش روان و زبانش به دور از عیوب لفظی است و با ترکیب های زیبا و مطبوع همراه است.

۷- او شاعری شیعی مذهب است که بر مذهب دوازده امامی و نیز عقاید خود استوار بود و قصیده را در خدمت مناقب دینی و مذهبی در آورد و نوآوری او آن است که بیشتر این قصاید منقبتی و مرثیاتی را با شکوائیه ها و بئالشکوی ها در هم آمیخته است.

۸- در مجموع مهمترین ویژگی شعر حسرت مشهدی را می توان سادگی لفظ و تازگی زبان دانست. دو ویژگی که در زبان شعری شاعران موفق این دوره به خوبی مشهود است.

منابع

- ۱- آفتاب رای لکهنوی، سلطان محمد فخری بن محمد امیری هروی (۱۹۷۷م) **ریاض العارفین**، تصحیح سید حسام‌الدین راشدی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان .
- ۲- انوری ایبوردی، اوحدالدین (۱۳۶۴) **دیوان**، تصحیح مدرس رضوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- انوشه، حسن (۱۳۸۰) **دانشنامه ی ادب فارسی**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- ۴- حزین لاهیجی، محمد علی بن ابی‌طالب (۱۳۷۵) **تذکره المعاصرین**، تصحیح معصومه سالک، تهران : دفتر نشر میراث مکتوب .
- ۵- حسرت، سید محمد بن میرزا صدرا (۱۱۴۴هـ ق) **کلیات دیوان**، نسخه ی خطی به شماره ۲۶۶۷ کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران .
- ۶- ----- (بی تا) **دیوان غزلیات**، نسخه ی شماره ۵۶۱۹ کتابخانه ی ملی ملک .
- ۷- خاقانی شروانی، افضل‌الدین (۱۳۷۴) **دیوان**، به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوآر .
- ۸- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸) **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ی مرکزی دانشگاه تهران**، تهران : انتشارات دانشگاه .

۹- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹) **فهرستواره ی دست‌نوشته‌های ایران**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات مجلس شورای اسلامی.

۱۰- صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳) **تذکره ی روز روشن**، به تصحیح و تحشیه ی محمد حسین رکن‌زاده ی آدمیت، تهران: رازی.

۱۱- صنیع‌الدوله، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۶۲) **مطلع الشمس**، تهران: انتشارات پیشگام.

۱۲- فدایی، غلامرضا (۱۳۸۶) **آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب**، تهران: سمت.